

اقبال لاهوری، نریمان پارسی و صعود سلطنت پهلوی  
(ویرایش دوّم)

قسمت اوّل

پیوستها:

پیوست یک: دینشاه ایرانی

پیوست دو: "روباه، میمون و فاخته" در هجو سفر تاگور به ایران (مقاله نریمان پارسی)

پیوست سه: دین‌سازان بنگال: خاندان‌های تاگور و سن

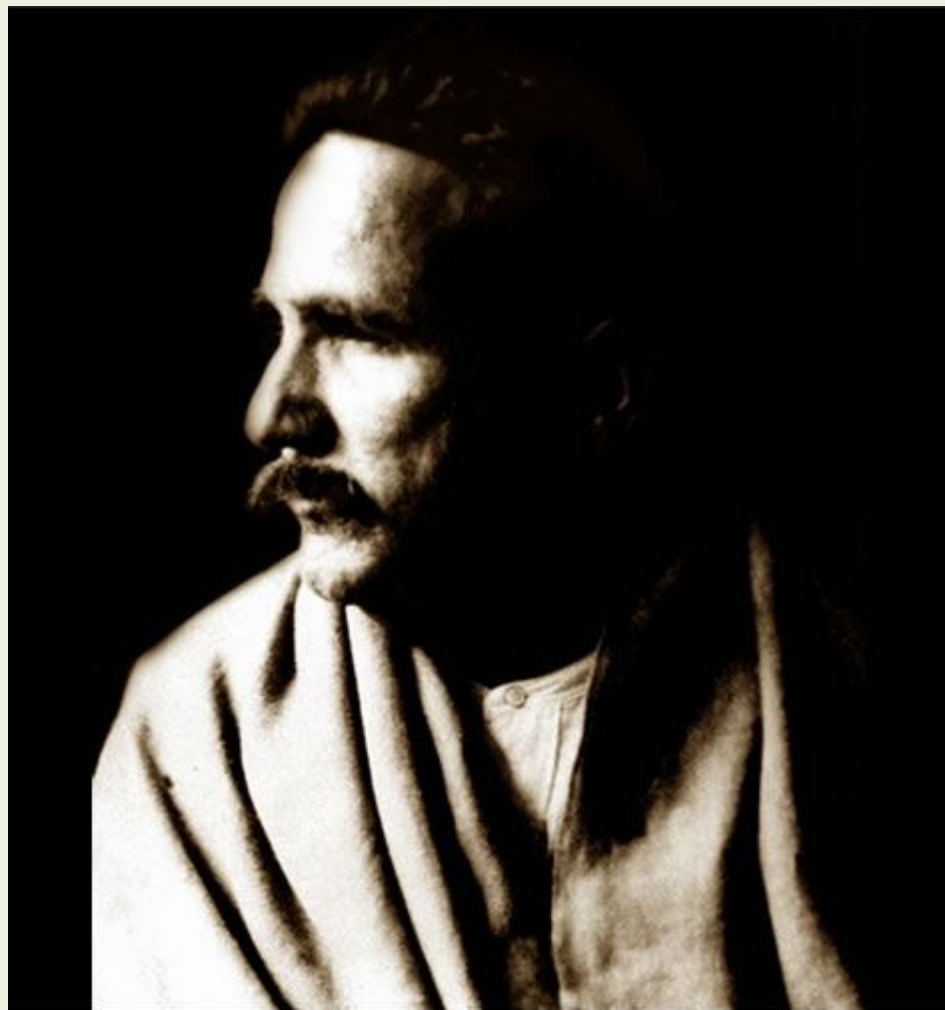
مقدمه ویرایش دوّم:

به دلیل فوت ناگهانی طهمورث خان کشکولی، استاد و هنرمند بزرگ قشقایی، [+] که از خویشان نزدیکم بود، انتشار متن نهایی ویرایش دوّم به تأخیر افتاد. اینک متن نهایی به همراه سه پیوست نشر می‌یابد. پیوست سوّم، درباره خاندان‌های تاگور و سن و برهما ساماج، بخشی از تحقیقی گسترده‌تر است که مجملی از آن در اینجا نقل می‌شود. در آینده نزدیک متن PDF ویرایش دوّم را نیز منتشر خواهم کرد.

شیراز، ۱۳ اسفند ۱۳۸۸ / ۴ مارس ۲۰۱۰

این مقاله را در پائیز ۱۳۷۵ برای درج در دوّمین شماره فصلنامه «تاریخ معاصر ایران» نگاشتم. سردبیر فصلنامه فوق بودم و در کار فراهم آوردن مندرجات نخستین شماره‌های آن. مکاتبات اقبال و نریمان در شماره اوّل فصلنامه (بهار ۱۳۷۶، صص ۱۶۷-۱۷۷)، با ترجمه آقای حسینعلی نودری، درج شد. در آن زمان، از مسئولیت‌های خود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران کناره گرفته بودم ولی مطالب شماره‌های اوّل و دوّم فصلنامه همان بود با تغییراتی به شرح زیر: مقاله «نظریه توطئه و فقر روش‌شناسی در تاریخنگاری معاصر ایران» باید سرمقاله شماره اوّل می‌بود و «اقبال لاهوری، نریمان پارسی و صعود سلطنت پهلوی» سرمقاله شماره دوّم. به دلایلی، این دو مقاله را در فصلنامه درج نکردم و در سال ۱۳۷۷ در کتابی با عنوان «نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی و تاریخنگاری جدید در ایران» منتشر نمودم.

مقاله «نظریه توطئه»، با ویرایش جدید، در این وبگاه منتشر شده است. [+] اینک، مقاله «اقبال لاهوری، نریمان پارسی و صعود سلطنت پهلوی»، که پیش‌تر به صورت فایل پی.دی.اف. در وبگاه موجود بود، با اصلاحات و ویرایش، نشر می‌یابد. در این ویرایش نه تنها اصلاحاتی در متن پیشین انجام گرفته، بلکه مطالب مهمی نیز افزوده شده.



در فصلنامه تاریخ معاصر ایران (سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۶) مجموعه‌ای از مکاتبات علامه محمد اقبال لاهوری و غلام عباس آرام و نامه گ. ک. نریمان منتشر شد که برای شناخت فضای فکری و سیاسی دوران تاریخی صعود و اقتدار سلطنت پهلوی از اهمیت خاص برخوردار است.

در جستار حاضر، نخست به تجدید چاپ اسناد مهم و ارزشمند فوق مبادرت می‌ورزیم و سپس می‌کوشیم تا

تصویری مجمل از مسائل عمده مطروحه در این مکاتبات را ارائه دهیم و با زندگی و اندیشه های گ. ک. نریمان، اندیشمند برجسته پارسی که برای ما ناشناخته مانده است، آشنا شویم. آنگاه مطالب مندرج در نامه های اقبال و نریمان را می کاویم و به زندگی غلام عباس آرام و چگونگی رابطه او با اقبال می پردازیم.

مجموعه مکاتبات اقبال و آرام، که در مجموعه اسناد شخصی غلام عباس آرام به دست آمده و اصل آن در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می شود، شامل چهار نامه از اقبال، در پاسخ به نامه های آرام، است و نامه ای از گ. ک. نریمان به اقبال که آن را به ضمیمه آخرین نامه خود برای آرام ارسال نموده است. متن نامه های فوق، که آقای حسینعلی نودری به فارسی ترجمه کرده، به شرح زیر است:

### [نامه اول اقبال لاهوری به غلام عباس آرام]

دکتر سیر محمد اقبال  
وکیل دعاوی- لاهور  
۲۰ ژوئن ۱۹۳۲

آقای آرام عزیز

به منشی ام گفته ام چند اثرم را برایتان ارسال نماید. امیدوارم به عنوان هدیه ای از جانب من بپذیرید. شش گفتار کتابی بسیار فنی است و مستلزم آشنایی زیاد با برخی از پیشرفته ترین مفاهیم علوم و فلسفه جدید. اما از آنجا که به عرفان و فلسفه دین علاقمند هستید، امیدوارم آن را چندان خسته کننده نیابید. سایر آثاری که برایتان می فرستم می تواند برای درک اهداف کتاب فوق مفید واقع گردند.

درباره تصوف اگر کتاب قوة القلوب ابوطالب مکی به زبان عربی را خوانده باشید، یکی از قدیمی ترین آثار درباره تصوف و بی نهایت آموزنده است. کتاب بعدی کشف المحجوب اثر سید علی هجویری از عرفای بزرگ لاهور است که اصلیت وی به غزنه باز می گردد. ترجمه فشرده ای از این کتاب به زبان انگلیسی توسط دکتر نیکلسون در کمبریج به چاپ رسیده. بنظر من این کتاب را می توان از طریق لوزاک تهیه نمود. لمعات عراقی شاعر را نمی توان بدون [مطالعه] فتوحات مکیه محی الدین عربی بطور کامل درک نمود. در زمینه شعر، کتاب گلشن راز محمود شبستری را داریم. ترجمه انگلیسی این کتاب نیز موجود است. در کتاب زبور عجم، که برایتان می فرستم، شعری خواهید یافت موسوم به "گلشن راز جدید" که در پاسخ به شعر محمود [شبستری] سروده شده. و بالاتر از همه مثنوی رومی [مولوی] است که شخصاً آن را بر هر کتاب دیگر ترجیح می دهم. دکتر نیکلسون ترجمه کامل انگلیسی کل کتاب را همراه با متن اصلی فارسی آن، که پس از مقابله با نسخه خطی مکشوفه در مصر با دقت و وسواس زیاد تصحیح نموده، به چاپ رسانید. نسخه خطی مذکور پنجاه سال پس از مرگ رومی نوشته شده و احتمالاً قدیمی ترین نسخه موجود است. کتاب فیه ما فیه رومی توسط آقای عبدالمجید، لیسانس ادبیات از دریاباد ناحیه بارابانکی (از ایالات متحده هند)، تصحیح شد و به چاپ رسید. مطمئنم اگر به وی نامه بنویسید یک نسخه برایتان ارسال خواهد نمود. مثنوی رومی هنوز در هند خوانندگان زیاد دارد و یکی از پرفروش ترین کتاب ها در هند است.

بعضی از اشعار رومی مشهور به دیوان شمس را نیز نیکلسون به انگلیسی ترجمه کرده. تقریباً تمام کتب فوق از طریق لوزاک قابل تهیه است.

ارادتمند  
محمد اقبال

D. Sir Mohd. Iqbal, M.A.  
M.A. Ph.D.  
Barrister-at-Law,  
Lahore.

20<sup>th</sup> June 1932

My dear Mr. Iqbal,

I am telling my clerk to send you some of my  
notes & hope that you will accept them as  
a present from me. The 'Six Lectures' are a very  
technical book & requires great familiarity with  
some of the most advanced concepts of modern Science  
& Philosophy. But as you are interested in Sufism  
& religious Philosophy generally I hope you will  
also find the book & the other books which  
I am sending may be helpful in understanding  
the aims of the lectures.

As to Sufism if you read Arabic **توت القلوب** by  
عبد الوهاب is one of the earliest books on Sufism  
& is intrinsically instructive. Next to it is **كنف الخج**  
by Sayyid Ali Hajjari the patron saint of  
Lahore who originally came from Ghazni. An  
abridged translation of this book into English was  
published by Dr. Nicholson of Cambridge. This  
I believe can be had from Lahore.

The **توت القلوب** of the Poet Iqbal cannot be thoroughly  
understood without the **توت القلوب** of **عبد الوهاب**

In Persian <sup>as above</sup> ترجمہ شدنی by شری. There is an English  
 translation of this also. In Urdu which I am  
 sending you you will find a poem called  
 "میزان" which was written in response to  
 Mishkinnad's poem.  
 And above <sup>all</sup> the <sup>works</sup> of Rumi which I generally  
 prefer to my other work. Dr. Nicholson has  
 published a complete English translation of the  
 whole book with the original Persian text edited  
 with great care after comparison with the  
 a manuscript copy discovered in Egypt. This  
 manuscript was written 50 years after Rumi's  
 death, & is probably the earliest manuscript  
 extant. Rumi's <sup>work</sup> was edited & published  
 by Mr. Abdul Majid B.A. of Dargabad  
 of District Bara Banki (United Provinces  
 - India). If you write to him he will, I am  
 sure, send you a copy. Rumi's <sup>work</sup> is  
 still widely read in India & is one of the  
 best selling books in India.  
 Some of the poems of Rumi known as <sup>the</sup> <sup>100</sup> were  
 also translated by Nicholson into English. Luzac will  
 supply nearly all the above mentioned books.

Yours Sincerely  
 Muhammad Iqbal

[نامہ دوّم اقبال لاہوری بہ غلام عباس آرام]

دکتر سیر محمد اقبال

وکیل دعاوی- لاهور  
۲۷ ژوئن ۱۹۳۲

آقای آرام عزیز

با تشکر فراوان از نامه تان که لحظه ای پیش به دستم رسید. آری، من بخش هایی از کتاب میر ولی الله درباره حافظ را خوانده ام. وی محقق خوبی در زبان فارسی است و به عنوان شارح خوب کار کرده است؛ ولی اعتراف می کنم که اعتقاد چندانی به تفسیر شعر ندارم. چند سال پیش شخصی [دیوان] حافظ را به زبان پنجابی ترجمه کرد و من آن ترجمه را بیش از هر تفسیر دیگری که در هند راجع به حافظ نوشته شده پسندیدم. با این حال تفسیر ولی الله در کل تفسیر خوبی است. در خصوص پیام شرق و کتاب اردو زبان درباره نوشته های خودم، سعی خواهم کرد در صورتی که نسخی از آن ها در این جا موجود باشد گیر بیاورم و برایتان بفرستم. کتاب اردو مدت ها پیش نوشته شده و تا آنجا که به خاطر دارم صرفاً شرحی درباره نوشته های اردو زبان من به دست می دهد. یک ماهنامه محلی قرار است برای شماره اکتبر خود ویژه نامه ای تحت عنوان "ویژه نامه اقبال" منتشر کند. این ویژه نامه حدود ۴۰۰ صفحه و منحصر به آثار من خواهد بود. پیگیری می کنم تا پس از انتشار نسخه ای از آن برایتان ارسال شود.

یادداشت مندرج در [نشریه] "زرتشتی" [۱] را دیدم. با شما موافقم. هیچ یک از طرفین را نباید سرزنش کرد. مسلمانان هند عملاً از سال ۱۸۵۷ [۲] در زندان به سر برده اند. اکنون امور به سرعت در حال تغییر است. اینک راه های تجاری به منافع عظیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آسیای میانه و آسیای غربی خواهد انجامید. لیکن تبلیغاتی که در حال حاضر، بویژه در مطبوعات هند، جریان دارد بر ضد ایران است. تبلیغات مبنی بر این که سفر تاگور به ایران در راستای گسترش و تحکیم پیوندهای آریایی بین هندوها و ایرانیان صورت گرفته است (البته این تفسیری است که مطبوعات هند از سفر تاگور به ایران به عمل آورده اند) همراه با تبلیغات مبنی بر آمادگی ایران برای گرویدن به آئین زرتشت و نیز گرایش های ضداسلامی اشخاص به اصطلاح ملی گرای ایرانی، که در نوشته های شان می توان به اشارات و تلویحات ضداسلامی برخورد، جملگی دست به دست هم داده و لطمه های سیاسی بی شماری بر ایران وارد می سازد و ممکن است در آینده به عواقب سوء و ناگواری بینجامد. آینده آسیا در گرو اتحاد کشورهای آسیای میانه و آسیای غربی است؛ اعم از آن هایی که مسلمان هستند یا نیستند. ظهور اسلام صرفاً دیوار حائلی شد بین آسیا و اروپا. با نابودی ناوگان دریایی عثمانی ها در نبرد ناواران و مرگ تیپو در سال ۱۷۹۹ علانم سقوط و فروپاشی این دیوار حائل آشکار شد. پیامد آن سلطه غرب بر آسیا بود. مطبوعات هند این موذی گری را به منظور مقابله با آن چه به تقلید از اروپائیان آن را "پان اسلام" می نامند به راه انداخته اند؛ چیزی که هرگز وجود خارجی نداشته است جز در تصورات و نوشته های کسانی که این عبارت را برای نشان دادن خطری موهوم از جانب اسلام برای اروپا ابداع کرده اند. این طرح صرفاً برای توجیه تهاجم خود [اروپائیان] به کشورهای اسلامی بود. مایه بسی تأسف است که نسل جوان مسلمان در هند و دیگر کشورها تاریخ کشورهای خود را از اروپائیان می گیرند؛ [در حالی] که نوشته های آنان جز تبلیغات سیاسی، و بعضاً مستتر در آثار برجسته ای که علی الظاهر کاملاً بی ضرر می نمایند، چیز دیگری نیست. زمان آن رسیده که ملل

آسیا، بویژه مسلمانان آسیا، به مطالعه دقیق کل تاریخ آسیا اقدام نمایند. این اقدام سبب خواهد شد که آنان بتوانند به ارزیابی درستی از نقش آن نیروهای تاریخی و اقتصادی برسند که امروزه در کار تکوین حیات کشورهای آسیایی است.

تاگور بی انصافی دیگری نیز در حق مسلمانان هند روا داشته است. وی به مسلمانان بین النهرین گفت تا برای آزادی هند مسلمانان هند را به همکاری با هندوها ترغیب نمایند. یک پژوهشگر ژرف نگر در سیاست هند به خوبی واقف است که "آزادی کامل" در اوضاع کنونی به هیچوجه مطلوب هندوها نیست و نمی تواند باشد. تنها هدف وی تأمین سیطره کامل بر سرنوشت اقلیت های هند و حفظ حضور سرنیزه های بریتانیا در جهت حمایت از خود است. این است منظور وی از آزادی. و این آزادی صرفاً به معنی تغییر اربابان برای اقلیت های هند است.

با امید به سلامت شما

ارادتمند

محمد اقبال



D. Sir Mohd. Iqbal, Kt.  
M. A. Ph. D.  
Baristral Law,  
Lahore.

27<sup>th</sup> June 1932

My dear Mr. Brown,

Thank you so much for your letter which reached me a month ago. You have read back of those who called to look on Hojji. He is a good Persian scholar & has done well as a commentator; but I confess I do not believe in commentaries on poetry. Every page of your book translated Hojji into Persian which I have translated into English. My commentary on Hojji written in India, yet Wahi's commentary is, in the whole, quite good. As to the 'Vie' you look at the letter book on my writings I shall try & get you such some books such list of copies are available here. The letter book was written long ago & as far as I remember it gave an account of my letter writings only. A local authority is looking out an English version of it. You will be about 400 pages devoted solely to my work. I shall be glad a copy is sent to you when it comes out.

I saw Administrator's note & agree with you. Milton's 'The' & 'The' of India have had practically no person ever since 1857. Things are now rapidly changing. New trade routes are being to be developed & the great social, economic, political & intellectual advantages of the Middle & Western Asia. But the propaganda which is now going on especially in the Indian Press is doing harm to Persia. The fact that Persia is ready to develop Persian affairs between the Hindus & the Persians (this is the way in which Jang's work is interpreted by the Hindu Press) coupled with the propaganda that Persia is ready for conversion to Zoroastrianism & the anti-Islamic attitude of the so-called Persian Nationalists in their writings are good subtle incitements of good Islam - all these things are considerable political harm to Persia & may lead to great consequences in the future. The future of Persia depends on the assistance of middle & Western Europe. The nations of the world are now making. The time of Islam was only a link between Asia & Europe. With the destruction

of the Turkish fleet in the battle of Navarino - the death of Tipu in 1799, the  
 which should signs of taking down. The result was entire domination of  
 this. The first part is a story of the mischief ~~caused~~ with the object of  
 counteracting which it has been for Europe to call Pan-Islamism - a  
 project which was invited through in the imagination of the work which would  
 this thought to enable a favored range to Europe for Islam. It was not  
 simply to justify their own aggression in the countries of Islam. It is to  
 that the younger generation of Muslims in India & other countries take the  
 history of their own countries for European writers who are writing  
 more than political propaganda sometimes & called in works of great length  
 which apparently look quite harmless. It is time that the people of India  
 especially Muslims should make a careful study of the history of India  
 as a whole. This alone will enable them to arrive at a correct estimate  
 of the history, historical & economic forces which are moulding the life of  
 Asiatic countries today.

Before did another suggestion to the Indian Muslims. He told the  
 Muslims of non-alignment to remain the Indian Muslims to cooperate  
 with the British for the freedom of India. He never studied of the  
 Politics of India knows that 'complete freedom' is not a in the  
 present circumstances, cannot be the ideal of the Hindus. His  
 idea was to secure complete control over the destinies of  
 Indian Muslims - to retain the British bayonets for his own protection.  
 This is what he means by freedom. And this freedom means not  
 a change of masters for the Muslims of India. ~~but the~~

Yours sincerely

Jawahar Lal

www.jawahar.org

[نامہ سوّم اقبال لاہوری بہ غلام عباس آرام]

دکتر سیر محمد اقبال  
 وکیل دعاوی - لاہور  
 ۵ ژوئیہ ۱۹۳۲

## آقای آرام عزیز

با تشکر از نامه تان که امروز آن را خواندم. متأسفم به اطلاع تان برسانم بریده نشریات را، که در نامه آخر خود به آن‌ها اشاره کرده بودم، در اختیار ندارم. گمان می‌کنم آقای نریمان، روزنامه نگار پارسی بمبئی، را بشناسید. وی مخالف تبلیغات پارسیان در خصوص بازگشت ایران به آئین زرتشتی است و گه‌گاه به مقابله و رد آن می‌پردازد. در صورتی که بریده‌های بیشتری از جراید از وی دریافت نمایم، با کمال مسرت آن‌ها را برایتان ارسال خواهم نمود. بعضی اوقات مسلمانان ایرانی نیز همین تبلیغات را در شهرهای هند به راه می‌اندازند؛ برای نمونه در کراچی که شمار پارسیان در آنجا بسیار زیاد است. سال گذشته یکی از آقایان در کراچی بود. فکر می‌کنم نشریه "بمبئی کرونیکل" بود که مطلبی در ارتباط با دیدار تاگور [از ایران] نوشت و هدف واقعی این دیدار را فاش ساخت؛ یعنی گسترش پیوندهای آریایی بین هندوئیسم و ایران. "گسترش پیوندهای آریایی" ظاهراً تعبیر بی‌ضرری است، لیکن ما مسلمانان هند این چیزها و گرفتاری‌ها یا نتایج سوء آن‌ها را بهتر از بیگانگان درک می‌کنیم. وانگهی پناهندگان ایرانی در آلمان نیز سرگرم برخی اقدامات بسیار مشابه بوده‌اند. در حال حاضر از فعالیت‌های آنان اطلاع ندارم، ولی فعالیت‌های سابق آنان، که نتایجش به صورت آثار چاپ شده در هند یافت می‌شود، در همان راستا بود. همین چند روز پیش که سرگرم تهیه سنوالات امتحانی زبان و ادبیات فارسی برای دوره فوق لیسانس دانشگاه پنجاب بودم، دستیارم یک متن فارسی از نشریه "ایران‌شهر" یا "کسری" برایم آورد. نویسنده مقاله یک نفر ایرانی بود که عقیده داشت ایران به زور به اسلام گروید. نظر دستیارم این بود که مقاله مذکور را برای ترجمه به انگلیسی به دانشجویان فوق لیسانس خود بدهیم. البته من آن را رد کرده و متن دیگری انتخاب کردم. **این آقایان ایرانی یا کاملاً نسبت به تاریخ کشور خود جاهل اند یا بازیچه دست سیاست‌بازان و تبلیغاتچی‌های اروپایی هستند که تنها هدفشان این است که کشورهای مسلمان احساس همدلی با یکدیگر را از دست بدهند. کشورهای مسلمان نمی‌توانند از یکدیگر غافل بمانند زیرا هنوز تهاجم اروپا متوقف نشده است. شاید امروز بیش از هر وقت دیگر به همدلی نیازمند باشند. به نظر من، این قبیل تبلیغات با توجه به این واقعیت به راه افتاده است که گسترش راه‌های جدید در آسیا پیوند میان کشورهای مسلمان را بیش از هر وقت دیگر مستحکم می‌کند. هدف آن است که از هرگونه امکان اعتلاء اسلام در عصر حاضر، که سقوط امپریالیسم اروپا قطعی است، ممانعت به عمل آید. گسترش اسلام بویژه از این جهت مایه خشم و رنجش شده که اسلام حداقل یکی از رقبای اروپا در آسیا به شمار می‌رود. و هندوها نیز، نظر به اهداف و مقاصد تجاری خاص خود، به این قبیل تبلیغات کشورهای مسلمان علاقه خاصی نشان می‌دهند.**

اخبار اروپائیان درباره اصلاحات ترکیه در سطح مطبوعات هند با تیتزهای درشت به چاپ می‌رسد بلکه از این طریق به مسلمانان هند القاء کنند که [در ترکیه] اسلام جای خود را به ترک‌ها می‌سپارد. حمایت از امان‌الله نه به خاطر اصلاحات وی در افغانستان بلکه به این دلیل بود که فکر می‌کردند اصلاحات وی در جهت کنار زدن اسلام از افغانستان است. تردید ندارم که حداقل تا حدودی مسئول سقوط امان‌الله و انقلاب افغان همین تبلیغات بود.

اگر زمانی شخصاً شما را ملاقات کنم جزئیات بیشتری راجع به طرح‌های شیطانی مطبوعات هند برایتان

خواهم گفت. لطفاً این نامه را کاملاً محرمانه تلقی فرمائید. البته می توانید آن را به جناب سرکنسول نشان دهید.

ارادتمند  
محمد اقبال

D: Sir Mohd. Iqbal, Kt  
M. A. O. B. 5th July 1912  
Consular Gen.  
Lahore.  
My Dear Sir,  
Thanks for your letter which I read today.  
I am sorry to say I keep no cuttings of the papers referred to  
in my last letter. I suppose you read Mr. Nariman - The  
Parsi journal of Bombay. It is opposed to the Parsi propaganda  
of Persia's conversion to Zoroastrianism & sometimes it  
reads a little. If I receive any more cuttings from here I shall  
be glad to send them on to you. Sometimes Persian Muslims  
also do this propaganda in Indian cities e.g. Karachi where  
Parsis are found in large numbers. There are no such  
gentlemen back here at Karachi. In fact I think the  
Bombay Chronicle which wrote a note in connection with  
Sayani's work & disclosed the real spirit of the work i.e. the  
development of Ayaz's affinities between Zoroastrianism  
& Persia, the development of Ayaz's affinities is apparently a  
desultory impression, but as Indian Muslims understand the  
thing better than ourselves & their sympathies better than  
ourselves. Since Persian refugees in Bombay have been  
doing a lot of very similar things. I do not know how much  
activities; but their former activities. The results of which  
are found in published form in India tend to be in the  
same direction. All the time by I am sitting in the office  
on the Persian language & literature for the M.A. part of  
the Punjab University. My co-examiner largely to me & a  
Persian passage either from 'Kandahar' or 'Kashan'. The  
nature of their passage was Persian who thought that Persia  
was converted to Islam by force. My co-examiner is a

With these papers & our M.A. students for translation into  
 English. I regretted it of course & should mention that even  
 Persian gentlemen are rather completely ignorant of the history  
 of their own country or playing in the hands of European  
 diplomatists & propagandists who the object is that each nation  
 should have such their sympathy. Indian countries cannot afford  
 to ignore each other as European aggression has not yet ceased.  
 Perhaps they need such their sympathy more than ever. All this  
 propaganda is carried on in view of the fact that the development  
 of our countries in India is likely to concern the countries of  
 Solana more than ever. In India it is to struggle the possibilities of  
 the rise of Solana at the present time from the fall of European  
 imperialism is almost certain. The fall of Solana is especially  
 resented because Solana is in touch with the revolts of  
 Europe in India. It is in view of their own commercial aims &  
 aspirations the Indies are especially interested in the propaganda of  
 Indian countries. European news about Turkish reforms are  
 published by Indian papers with playing captions as if from upon  
 the mouth of India that Solana is being displaced by the Turks  
 by supported Anwarullah and because the road for reforms in  
 Afghanistan, but because they thought his reforms tended to  
 displace Solana from Afghanistan. I have no doubt that their  
 propaganda was at least partly responsible for the fall  
 of Anwarullah & the Afghan revolution.



Yours sincerely  
 Muhammad Lyfah

[نامہ چہارم اقبال لاہوری بہ غلام عباس آرام]

دکتور سیر محمد اقبال  
 وکیل دعاوی - لاہور  
 ۱۳ ژوئیہ ۱۹۳۲

آقای آرام عزیز

با سپاس از نامه تان، مطالب بیشتری را برای مطالعه شما ضمیمه می نمایم.

مراسله آقای نریمان کاملاً محرمانه است و باید محرمانه نیز تلقی گردد. من تقی زاده را می شناسم و او را تحسین می کنم. کاملاً ممکن است من نیز مانند سایر مسلمانان هند اطلاعات نادرستی دریافت کرده باشم، ولی آنچه می گویم شاید روشنگر آن باشد که نگرش مسلمانان به ایران چگونه تحت تأثیر قرار گرفته است.

اهداف تبلیغات همواره در جهت نیل به پیشرفت است، لیکن در عین حال مضرات زیادی در بر دارد و ممکن است خواست های غیر قابل پیش بینی به بار آورد. بهتر است همیشه آماده مواجهه با خطرات موجود باشیم.

ارادتمند

محمد اقبال

13<sup>th</sup> July 1906

My dear Mr. Strachan,

Thanks for your letter. I am enclosing  
some more matter for your perusal.

Mr. Nariman's letter is strictly con-  
fidential & must be treated as  
such. I know Pagezada & have  
such admiration for him.  
Generally I may be misinformed like  
many other Muslims of India, but  
what I say may give you some  
indication of how people i.e.  
Muslims are affected in their  
attitude toward Persia.

Propaganda is always condemned for  
purposes of gain; but it gets a  
lot of harm & may bring about  
wants which nobody can foresee.

It is always best to keep the  
evil in hand.

Yours sincerely

Muhammad Iqbal

: تاریخ آخرین ویرایش

کلیه حقوق مندرجات این صفحه برای عبدالله شهبازی محفوظ است.

آدرس ایمیل: <mailto:abdollah.shahbazi@gmail.com?subject=shahbazi.org>

استفاده از مقالات با ذکر مأخذ مجاز است. چاپ مقالات به صورت کتاب ممنوع است.